

تبیین خرد بر مبنای دارایی های تحولی و میانجی گری بالندگی (ارائه مدلی علی)

شهریار مرادی*

رسول کرد نوقابی**

ابوالقاسم یعقوبی***

خسرو رشید****

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تبیین خرد بر مبنای دارایی های تحولی و با میانجی گری بالندگی بود. به این منظور نمونه ای متشکل از ۶۶۸ دانشجو از دانشگاه های کرمانشاه به روش نمونه گیری خوشه ای مرحله ای انتخاب و مقیاس های خرد آردلت (۲۰۰۳)، دارایی های تحولی (۲۰۰۵) و بالندگی (۲۰۰۲) روی آنان اجرا شد. داده ها با استفاده از الگوی معادله ساختاری (SEM) تحلیل گردید. مدل نهایی یک الگوی خاص از روابط متغیرهای پژوهش با یکدیگر را ارائه کرد و در مجموع توانست به ترتیب ۰/۰۸، ۰/۱۴ و ۰/۲۳ از واریانس ابعاد شناختی، عاطفی و تأملی خرد را تبیین نماید. شاخص های برازش مدل نشان از برازندگی مناسب مدل با داده ها داشتند ($\chi^2/df=2/57$, $RMSEA=0/05$, $GFI=1/00$, $CFI=1/00$). اثر مستقیم دارایی های درونی بر هر سه بعد خرد تأیید و اثر غیرمستقیم آن نیز به وساطت بالندگی بر ابعاد شناختی و عاطفی معنی دار اما بر بعد تأملی غیرمعنی دار بود. اثر مستقیم دارایی های بیرونی نیز بر بعد تأملی تأیید شد اما بر ابعاد شناختی و عاطفی تأیید نشد و اثر غیرمستقیم آن بر ابعاد شناختی و عاطفی معنی دار و بر بعد تأملی غیرمعنی دار بود. در مجموع دارایی های درونی بیش از دارایی های بیرونی تبیین کننده خرد در دانشجویان بودند.

واژه های کلیدی: بالندگی، خرد، دارایی های بیرونی، دارایی های تحولی، دارایی های درونی

این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته روان شناسی تربیتی دانشگاه بوعلی سینا است.

* دکتر روان شناسی تربیتی، دانشگاه بوعلی سینا

** دانشیار دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده مسئول) rkordnoghi@gmail.com

*** استاد دانشگاه بوعلی سینا

**** دانشیار دانشگاه بوعلی سینا

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۰۱

مقدمه

در نظریه‌های تحولی^۱ (اریکسون^۲، ۱۹۶۳) و روان‌شناسی مثبت^۳ (سلیگمن و چیکزنت میهالی^۴، ۲۰۰۰)، خرد^۵ به‌عنوان عالی‌ترین سطح رشد و تحول روان‌شناختی فرد شناخته‌شده و درک و سنجش علمی آن و نیز چگونگی تکوین و رشد آن، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های پژوهش روان‌شناختی در سال‌های اخیر بوده است (کارلیتز، جاروین و استرنبرگ^۶، ۲۰۱۰؛ استادینگر و گلوک^۷، ۲۰۱۱؛ تروربرج^۸، ۲۰۱۱).

با وجود تلاش‌های گسترده برای پالایش مفهوم خرد، هنوز یک تعریف یکسان از آن حاصل نشده است (آردلت، آخنباوم و اوه^۹، ۲۰۱۴؛ بالتز و اسمیت^{۱۰}، ۲۰۰۸)، اما یک اجماع در حال رشد در بین فلاسفه، الهیون، دانشمندان علوم اجتماعی و مردم عادی به وجود آمده مبنی بر اینکه خرد حداقل در ابعاد تأملی^{۱۱}، شناختی^{۱۲} و عاطفی^{۱۳} نمو می‌یابد (برای مثال، آردلت و اوه، ۲۰۱۰؛ استرنبرگ و جوردن^{۱۴}، ۲۰۰۵). جنبه تأملی خرد، متضمن توانایی نگرستن به پدیده‌ها و رویدادها از چشم‌اندازی چندگانه بدون تلاش برای انکار حقایق ناخوشایند یا سرزنش دیگران یا شرایط، به خاطر وضعیت خویش است (کلایتون^{۱۵}، ۱۹۸۲؛ استادینگر، دورنر و مایکلر^{۱۶}، ۲۰۰۵). بعد شناختی خرد اشاره به درک جنبه‌های بین‌فردی و درون‌فردی زندگی و تمایل به دانستن حقیقت و معنای مهم و عمیق‌تر پدیده‌ها و رویدادها است. بینش عمیق‌تر نسبت به انگیزه‌ها و رفتارهای خویش و دیگران، موجب کاهش خودمحوری^{۱۷} فرد و افزایش عشق همدلانه و مشفقانه به دیگران می‌گردد که مشخصه بعد عاطفی خرد است (آردلت، ۲۰۰۰).

مطالعات صورت گرفته در دو دهه اخیر، در زمینه شناخت عوامل مؤثر بر رشد و اکتساب خرد نیز، اغلب مورد توجه پژوهشگرانی قرار گرفته که خرد را به‌عنوان تجلی توانایی مثبتی که به‌طور کامل در دوران بزرگسالی شکل می‌گیرد، مفهوم‌سازی کرده‌اند

-
- | | |
|--|--------------------------------------|
| 1. developmental theories | 10. Baltes, P. B., & Smith, J. |
| 2. Erikson, E. H. | 11. reflective |
| 3. positive psychology | 12. cognitive |
| 4. Seligman, M.E.P., & Csikszentmihalyi, M. | 13. affective |
| 5. wisdom | 14. Sternberg, R., & Jordan, J. |
| 6. Karelitz, T., Jarvin, L., & Sternberg, R. | 15. Clayton, V. P. |
| 7. Staudinger, U. M., & Gluck, J. | 16. Staudinger, U. M., Dorner, J., & |
| 8. Trowbridge, R. H. | Mickler, C. |
| 9. Ardel, M., Achenbaum, W. A., & Oh, H. | 17. self-centeredness |

(از جمله، آردلت، ۲۰۰۹، ادمونسون^۱، ۲۰۰۵؛ بلوک و گلوک^۲، ۲۰۰۴؛ گلوک، بلوک، بارون و مک‌آدامز^۳، ۲۰۰۵). اما شواهد تجربی حاکی از آن هستند که جوانه‌های خرد در اواخر نوجوانی و اوایل جوانی ظهور می‌یابند (برای مثال، پاسوپاتی، استادینگر و بالتز^۴، ۲۰۰۱؛ ریچاردسون و پاسوپاتی^۵، ۲۰۰۵؛ وبستر^۶، ۲۰۱۰، ۲۰۱۳).

بر اساس ملاحظات نظری و یافته‌های تجربی، حمایت عاطفی، مراقبت مهربانانه از کودک و محیط خانوادگی باثبات، زمینه‌ساز رشد مثبت روان‌شناختی فرد می‌گردد (برای مثال، اریکسون، ۱۹۶۳؛ مازلو^۷، ۱۹۷۰). به نظر می‌رسد همان‌گونه که محیط مثبت موجب حمایت از گرایش به رشد ویژگی‌های مثبت شخصیتی از جمله مدارا^۸، ذهن باز^۹، خلوص^{۱۰}، متانت^{۱۱} و اعتمادبه‌نفس می‌گردد (آلپورت^{۱۲}، ۱۹۶۱؛ وایلانت^{۱۳}، ۱۹۹۳)، می‌تواند اکتساب خرد را نیز تسهیل نماید. علاوه بر تجارب دوران کودکی، تصور می‌شود قابلیت رشد خرد، به محیط اجتماعی فرد نیز بستگی داشته باشد که به‌عنوان ترکیبی از محیط‌های فیزیکی، فرهنگی و ذهنی تعریف می‌شود. اما افراد صرفاً دریافت‌کنندگان منفعل فشارهای محیطی نیستند. بر اساس نظریه تعاملی^{۱۴}، در تعیین تأثیرات محیطی بر زندگی افراد، درک ذهنی محیط و توانایی سازگاری با شرایط در یک روش ساختارمند، مهم‌تر از خود تأثیرات عینی محیط است (آلپورت، ۱۹۶۱؛ باندورا^{۱۵}، ۱۹۹۵). افراد با ویژگی‌های شخصیتی رشدیافته، می‌توانند در تلاش برای رشد خویش و ارتقاء خرد، حتی اگر در محیط‌های اجتماعی و روان‌شناختی زیان‌بخش رشد یافته باشند، بسیار موفق عمل کنند (باندورا، ۱۹۹۵؛ کلاوسن^{۱۶}، ۱۹۹۳).

بر اساس نظریه‌های سیستمی تحولی معاصر تغییرات در طول عمر توسط روابط پویا بین فرد و سطوح چندگانه محیط زندگی او هدایت می‌شود (مانند خانواده، گروه همسالان، مدرسه، روابط اجتماعی و فرهنگ). این فرایند تغییر سالم که بر بهزیستی فردی

-
- | | |
|--|---------------------------|
| 1. Edmondson, R. | 8. tolerance |
| 2. Bluck, S., & Gluck, J. | 9. open-mindedness |
| 3. Gluck, J., Bluck, S., Baron, J., & McAdams, D. | 10. sincerity |
| 4. Pasupathi, M., Staudinger, U. M., & Baltes, P. B. | 11. equanimity |
| 5. Richardson, M. J., & Pasupathi, M. | 12. Allport, G. W. |
| 6. Webster, J. D. | 13. Vaillant, G. E. |
| 7. Maslow, A. H. | 14. interactionist theory |
| | 15. Bandura, A. |
| | 16. Clausen, J. |

و اجتماعی در طول زمان تأثیر گذاشته و علاوه بر ارتقاء تحول مثبت، جوان را از بسیاری از رفتارهای پرخطر که مانع تحول مثبت می‌شوند محافظت می‌کند، بالندگی^۱ نامیده شده است و نشانگرهای آن عبارت‌اند از موفقیت تحصیلی، کمک به دیگران، ارزش نهادن به تفاوت‌ها، حفظ سلامت شخصی، توان رهبری، تأخیر در ارضاء خواسته‌ها، مقاومت در برابر خطر و توان غلبه بر سختی‌ها (بنسون و اسکلز^۲، ۲۰۰۹). لرنر، داوولینگ و اندرسون^۳ (۲۰۰۳) بالندگی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «تنظیم سازگارانه تحولی که در نتیجه آن افراد جوان فراتر از منافع شخصی حرکت کرده و ضمن ارزش نهادن به نظام اجتماعی مروج برابری، دموکراسی، عدالت اجتماعی و آزادی فردی، خود را متعهد به عمل در این زمینه می‌دانند.»

در قلب تحول مثبت، دارایی‌های تحولی^۴ قرار دارد و تأمین سطوح بالایی از دارایی‌ها از جانب محیط اجتماعی زمینه‌ساز بالندگی است (بنسون، اسکلز، همیلتون و سسما^۵، ۲۰۰۶). دارایی‌های تحولی متشکل از چهار مؤلفه است که به دو بعد اصلی درونی^۶ و بیرونی^۷ تقسیم می‌شود. فرض بر این است که هر فردی از سنین کودکی تا جوانی تعدادی از این مؤلفه‌ها را تجربه کند و زمانی افراد به حداکثر ظرفیت خود می‌رسند که تعداد بیشتری از این مؤلفه‌ها را در زندگی خویش داشته باشند. انستیتو پژوهشی مینه‌سوتا^۸ (۲۰۰۲) دارایی‌های تحولی درونی را تعهد، ارزش‌ها و شایستگی‌هایی که از خود جوانان و نوجوانان نشأت می‌گیرد، معرفی کرده است. چهار زیرمجموعه بعد درونی شامل تعهد به یادگیری^۹، ارزش‌های مثبت^{۱۰}، شایستگی اجتماعی^{۱۱} و هویت مثبت^{۱۲} می‌باشند. دارایی‌های تحولی بیرونی نیز تجربه‌های مثبتی هستند که کودکان و نوجوانان از مردم و سیستم اجتماعی^{۱۳} خود در زندگی روزمره دریافت می‌کنند که از چهار زیرمجموعه

1. thriving
2. Benson, P.L., & Scales, P.C.
3. Lerner, R. M, Dowling, E. M., & Anderson, P. M.
4. developmental assets
5. Benson, P.L., Scales, P.C., Hamilton, S., & Sesma, J.
6. Internal

7. external
8. Search Institute of Minnesota
9. commitment to learning
10. positive value
11. social competence
12. positive identity
13. Socializing system

حمایت^۱، توانمندسازی^۲، محدودیت‌ها^۳ و انتظارات^۴ و استفاده سازنده از زمان^۵ تشکیل شده است.

پژوهش‌های قبلی از مناسبت چهارچوب دارایی‌هایی تحولی برای مفهوم‌سازی متغیرهای فردی و زمینه‌ای تحولی پیش‌بینی کننده پیامدهای تحول مثبت در جوانان و نوجوانان حمایت کرده و مستندات گسترده‌ای در تأیید نقش این دارایی‌ها در رشد و پرورش رفتارهای بالنده فراهم کرده‌اند (بنسون، اسکلز و سیورستن^۶، ۲۰۱۱). با تأسی از نظریه تحول مثبت جوانی^۷ (PYD) و نظریه‌های سیستمی رشد، به نظر می‌رسد رشد خرد نیز متأثر از متغیرهای تحولی در دوران نوجوانی و اوایل جوانی باشد که تاکنون به صورت نظام‌مند مورد توجه کافی قرار نگرفته است. از این رو، دارایی‌های تحولی به عنوان شاخصی که می‌تواند معرف مناسبی برای عوامل فردی و زمینه‌ای مؤثر در رشد خرد باشد، انتخاب گردیده است. هنگامی که این دارایی‌ها، توسط سیستم‌های رسمی^۸ و غیررسمی^۹ در جامعه فراهم شود و به افراد نوجوان ارائه گردد، منجر به تحول مثبت در نوجوانان می‌شود (انستیتو پژوهشی، ۲۰۰۲).

متغیر بالندگی نیز که شاخص رشد سالم و شکوفایی نوجوان است (بنسون و اسکلز، ۲۰۰۹) به عنوان متغیر میانجی این فرایند در نظر گرفته شده است. در واقع بالندگی، مفهومی تحولی است که نه تنها مستلزم مشاهده عملکرد خوب نوجوان در زمان حال، بلکه نشان از حرکت به سوی آینده‌ای امیدوارکننده است و نشان‌دهنده مسئولیت‌پذیری‌های مهم، موفقیت، بهزیستی و هم‌چنین، راه جدیدی برای تعریف و درک پویایی‌های رشد سالم است (لرنر و همکاران، ۲۰۰۳).

بر این اساس، پژوهش حاضر، فرایند رشد خرد را در چارچوب روابط دارایی‌های تحولی به عنوان سازه معرف طرح‌های ساختاری زمینه‌ساز تحول مثبت و بالندگی به عنوان فرایند حرکت به سوی آینده امیدوارکننده (لرنر و همکاران، ۲۰۰۳) و خرد به عنوان پیامد نهایی تحول مثبت در قالب یک مدل علی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد. بررسی این مسئله به عنوان هدف پژوهش، مهم و ضروری به نظر می‌رسد که آیا در فرایند تحول

1. support
2. empowerment
3. boundaries
4. expectations
5. constructive use of time

6. Benson, P. L., Scales, P. C., & Syvertsen, K.
7. positive youth development (PYD)
8. formal
9. informal

نوجوانی، دارایی‌های تحولی و بالندگی می‌توانند پیش‌بینی کننده خرد به‌مثابه یکی از مهم‌ترین پیامدهای تحول مثبت باشند؟ اگر بالندگی به‌عنوان مرکز ثقل روابط متغیرهای موجود در نظر گرفته شود، می‌توان مدلی را بر این اساس تدوین کرد؟ و سرانجام اینکه در صورت تأیید روابط فوق، کدامیک از دارایی‌های تحولی درونی و بیرونی با میانجی‌گری بالندگی سهم بیشتری در تبیین خرد و ابعاد شناختی، عاطفی و تأملی آن دارند؟

روش

روش پژوهش توصیفی-همبستگی^۱ است. با توجه به این‌که هدف این مطالعه، تبیین خرد بر مبنای فرایند تحول مثبت در پایان نوجوانی و آغاز جوانی است، لذا دانشجویان کارشناسی در محدوده سنی حدود ۲۰ سال، به‌عنوان جامعه آماری معرف این دوره سنی انتخاب گردیدند. بر این اساس، برای انتخاب گروه نمونه، از دانشگاه‌های شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای، به‌صورت تصادفی از بین سه دانشگاه رازی، آزاد اسلامی و صنعتی، حدود ۷۰۰ نفر انتخاب که پس از حذف داده‌های پرت، در نهایت ۶۶۸ نفر (۳۰۱ پسر و ۳۶۷ دختر) مورد تحلیل قرار گرفتند. با توجه به این‌که نسبت موردپذیرش برای به حداقل رساندن خطاهای برآورد پارامترها در صورت نقض نرمال بودن چندمتغیره، حداقل ۱۵ نمونه برای برآورد هر پارامتر آزاد در مدل است (لوهلین^۲، ۲۰۰۴) این تعداد انتخاب گردیدند. میانگین سنی و انحراف معیار دانشجویان پسر به ترتیب ۲۱/۰۴ و ۱/۵۰ و دانشجویان دختر ۲۰/۷۳ و ۱/۵۰ بود.

برای سنجش خرد از مقیاس خرد سه‌بعدی آردلت (۲۰۰۳، 3D-WS) استفاده شد که سه بعد شناختی، عاطفی و تأملی خرد را می‌سنجد. در مجموع شامل ۳۹ گویه در فرمت لیکرت ۵ نمره‌ای است که ۱۴ گویه بعد شناختی، ۱۲ گویه بعد تأملی و ۱۳ گویه بعد عاطفی را می‌سنجد. گویه‌های ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۳۲ و ۳۵ به‌صورت معکوس و سایر گویه‌ها به‌صورت مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند (آردلت، ۲۰۰۳). این مقیاس ابتدا با استفاده از ۱۸۰ بزرگسال سالمند که ۵۲ ساله یا بزرگتر بوده‌اند هنجاریابی شده است

1. correlation

2. Loehlin, J. C.

($M=71$). گویه‌های هر بعد با یکدیگر همبستگی کافی داشته و آلفای کرونباخ به ترتیب برای ابعاد شناختی، عاطفی و تأملی (۰/۸۵، ۰/۷۲، ۰/۷۱) در سطح قابل قبولی بوده است (آردلت، ۲۰۰۳). در مطالعه‌ای دیگر در نمونه‌ای از ۴۷۷ دانشجو، ارزش آلفا برای ابعاد شناختی، تأملی و عاطفی، به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۵ و ۰/۶۶ به دست آمده است. نتایج یک تحلیل عاملی از مؤلفه‌های اصلی خرد^۱ با چرخش پروماکس^۲ در دو نمونه‌ی مجزا، به ترتیب برای ابعاد شناختی، تأملی و عاطفی از عامل مکنون خرد، بارهای عاملی ۰/۷۱، ۰/۸۴ و ۰/۷۸ برای گروه نمونه‌ی سالمندان و ۰/۷۹، ۰/۸۰ و ۰/۸۱ برای گروه نمونه‌ی دانشجویان را نشان داده است. شاخص‌های برازش کلی نشان داده‌اند که مدل سه عاملی برای هر دو نمونه از برازندگی خوبی برخوردار است (آردلت و اوه، ۲۰۱۰). در این پژوهش نیز به منظور بررسی پایایی مقیاس از دو روش همسانی درونی^۳ و پایایی بازآزمایی استفاده شد. ضریب همبستگی نمرات آزمودنی‌ها برای ابعاد شناختی، عاطفی و تأملی در دو بار اجرا با فاصله‌ی دو هفته به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۱، ۰/۷۴ و ۰/۸۶ حاصل شد. ضرایب آلفای کرونباخ نیز پس از اجرای اصلی به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۵۸ و ۰/۷۴ به دست آمد. روایی مقیاس نیز با اجرای تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفت که مدل‌های اندازه‌گیری تدوین شده مورد حمایت قرار گرفتند و شاخص‌های برازش، وضعیت قابل قبول را نشان دادند ($\chi^2/df=2/33$, $GFI=0/96$, $RMSEA=0/05$).

برای سنجش دارایی‌های تحولی از پروفایل دارایی‌های تحولی (DAP)، انستیتو پژوهشی مینه‌سوتا، (۲۰۰۵) استفاده شد. این مقیاس دارای ۵۸ گویه است و برای سنجش دو مجموعه‌ی دارایی‌های تحولی درونی و بیرونی ساخته شده است (بنسون و همکاران، ۲۰۰۶). نمره‌گذاری مقیاس بر اساس فرمت لیکرت ۴ نمره‌ای است، ۲۶ گویه دارایی‌های بیرونی را می‌سنجند و ۳۲ گویه نیز معرف دارایی‌های درونی‌اند. کلیه‌ی گویه‌ها به صورت مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند. مقیاس بر روی ۱۱۳۰۳ دانش‌آموز دبیرستانی با نژادهای مختلف سفید، آمریکایی، هندی آسیایی و گروه‌های چند قومیتی اجرا گردیده و آلفای کرونباخ آن ۰/۸۱ و در بازآزمایی ۰/۷۹ گزارش شده است. پرسش‌نامه‌ی نگرش‌ها و رفتارها (A&B) انستیتو پژوهشی (۲۰۰۲) نیز برای بررسی روایی مقیاس مورد استفاده

1. principle-component analysis
2. promax rotation

3. internal consistency

قرار گرفته که نتایج روایی هم‌زمان، ضریب همبستگی ۰/۸۲ برای کل نمرات دارایی‌ها، ۰/۷۶ برای دارایی‌های بیرونی و ۰/۸۰ برای دارایی‌های درونی را نشان داده است (انستیتو پژوهشی، ۲۰۰۵). در مطالعات بعدی برای مقیاس کلی و هر یک از خرده مقیاس‌های دارایی‌های درونی و بیرونی، پایایی‌های همسانی درونی و بازآزمایی مناسب به دست آمده و مستندات قابل قبولی برای روایی‌های سازه، همگرا، افتراقی و پیش‌بین وجود دارد (انستیتو پژوهشی، ۲۰۰۵؛ ویلسون، اوبرین و سسما، ۲۰۰۹). در این پژوهش نیز به منظور بررسی پایایی مقیاس از دو روش همسانی درونی و پایایی بازآزمایی استفاده شد. ضریب همبستگی نمرات آزمودنی‌ها برای کل مقیاس دارایی‌های تحولی و مجموعه‌های بیرونی و درونی و مؤلفه‌های آن در دو بار اجرا از ۰/۷۳ تا ۰/۸۶ به دست آمد. ضرایب آلفای کرونباخ پس از اجرای اصلی نیز به ترتیب برای کل مقیاس و دارایی‌های بیرونی و درونی به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۸۸، ۰/۸۹ به دست آمد. روایی مقیاس نیز با اجرای تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفت که مدل‌های اندازه‌گیری تدوین شده مورد حمایت قرار گرفتند و شاخص‌های برازش، وضعیت قابل قبول را نشان دادند ($\chi^2/df=2/53$ ، $GFI=0/99$ ، $RMSEA=0/05$).

برای سنجش بالندگی نیز از مقیاس نگرش‌ها و رفتارها (A&B) انستیتو پژوهشی (۲۰۰۲) استفاده شد. بخش بالندگی این مقیاس دارای هشت شاخص است که شامل موفقیت تحصیلی، کمک به دیگران، ارزش قائل شدن برای تفاوت‌ها، حفظ مناسب سلامتی، توانایی تأخیر در ارضای خواسته‌ها، ایفای نقش رهبری، مقابله با سختی‌ها و مقاومت در برابر خطر است. این عوامل در پژوهش‌های فراوان به عنوان شاخص‌های بالندگی تعیین شده‌اند و در مجموع دارای هشت سؤال است. نمره‌گذاری مقیاس برای گویه‌ی دوم بر اساس فرمت لیکرت ۶ نمره‌ای و برای سایر گویه‌ها ۵ نمره‌ای است و کلیه‌ی گویه‌ها به صورت مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند. مقیاس با میانگین صفر و انحراف معیار یک استاندارد شده است. همسانی درونی مقیاس که توسط ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شده ۰/۴۹ بوده است (بنسون و اسکلز، ۲۰۰۹). در این پژوهش نیز به منظور بررسی پایایی مقیاس و مؤلفه‌های آن از دو روش همسانی درونی و پایایی بازآزمایی استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس به ترتیب در مرحله‌ی اول ۰/۶۶ و در

مرحله‌ی دوم ۰/۶۸ به دست آمد. هم‌چنین ضریب همبستگی نمرات آزمودنی‌ها در دو بار اجرا با فاصله‌ی دو هفته ۰/۹۱ حاصل شد. روایی مقیاس نیز با اجرای تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفت که مدل اندازه‌گیری تدوین شده مورد حمایت قرار گرفت و شاخص‌های برازش برای مدل وضعیت قابل قبول را نشان دادند ($\chi^2/df=2/89$ ، $GFI=0/98$ ، $RMSEA=0/05$).

یافته‌ها

پیش از انجام تحلیل‌های اصلی، چند تحلیل اولیه به منظور کسب بینش مقدماتی نسبت به داده‌ها انجام گرفت. در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی شامل فراوانی، میانگین و انحراف معیار سنی با تفکیک جنسیت و دانشگاه محل تحصیل برای نمونه‌ی مورد بررسی در این پژوهش ارائه شده است. تعداد کل آزمودنی‌های پژوهش ۶۶۸ نفر بوده که ۳۶۷ نفر آن‌ها دختر و ۳۰۱ نفر پسر بوده‌اند.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی نمونه‌ی پژوهش

دانشگاه	جنسیت		دختر		پسر	
	تعداد	انحراف معیار \pm میانگین سنی	تعداد	انحراف معیار \pm میانگین سنی	تعداد	انحراف معیار \pm میانگین سنی
رازی	۱۹۳	۲۰/۳۵ \pm ۱/۳۱	۱۵۸	۲۱/۰۹ \pm ۱/۴۷		
آزاد اسلامی کرمانشاه	۱۴۹	۲۱/۴۴ \pm ۱/۵۲	۱۱۹	۲۱/۱۹ \pm ۱/۵۳		
صنعتی کرمانشاه	۲۵	۱۹/۵۴ \pm ۰/۹۱	۲۴	۱۹/۸۳ \pm ۱/۱۳		
جمع کل	۳۶۷	۲۰/۷۳ \pm ۱/۵۰	۳۰۱	۲۱/۰۴ \pm ۱/۵۰		

در جدول ۲ شاخص‌های توصیفی نمره‌های آزمودنی‌ها روی متغیرهای پژوهش نشان داده شده‌اند.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش برای کل آزمودنی‌ها $n=668$

متغیرها	انحراف معیار \pm میانگین	کمترین نمره	بیشترین نمره	کجی	کشیدگی
بعد تأملی خرد	۳۶/۲۴ \pm ۷/۰۸	۱۷/۰۴	۶۰/۰۰	-۰/۱۰	-۰/۲۳
بعد شناختی خرد	۴۶/۹۰ \pm ۷/۴۲	۲۵/۶۲	۶۷/۰۶	-۰/۰۹	-۰/۳۰
بعد عاطفی خرد	۴۵/۸۹ \pm ۶/۱۱	۲۱/۹۷	۶۲/۰۱	-۰/۳۴	۰/۳۱
بالندگی	۲۷/۲۰ \pm ۴/۲۴	۱۵/۰۴	۳۹/۰۴	-۰/۰۳	-۰/۱۸
دارایی‌های تحولی بیرونی	۷۱/۵۰ \pm ۱۱/۷۰	۳۷/۷۰	۹۹/۳۲	-۰/۱۶	-۰/۴۹
دارایی‌های تحولی درونی	۹۲/۱۶ \pm ۱۳/۱۲	۵۱/۸۴	۱۲۱/۹۲	-۰/۱۹	-۰/۳۵

همان‌گونه که مندرجات جدول ۲ نشان می‌دهد، نمرات کجی و کشیدگی همه‌ی متغیرها بیانگر توزیع بهنجار داده‌ها است. با توجه به اینکه مبنای تجزیه و تحلیل مدل‌های علی، ماتریس همبستگی است، بنابراین، ماتریس همبستگی متغیرهای مورد بررسی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

۶	۵	۴	۳	۲	۱
					۱. بعد شناختی خرد
				۱	۰/۳۸** ۲. بعد عاطفی خرد
			۱	۰/۳۸**	۰/۴۰** ۳. بعد تأملی خرد
		۱	۰/۲۴**	۰/۲۲**	۰/۴۹** ۴. بالندگی
	۱	۰/۳۵**	۰/۲۹**	۰/۱۵**	۰/۳۸** ۵. دارایی‌های بیرونی
۱	۰/۴۹**	۰/۴۶**	۰/۳۶**	۰/۲۴**	۰/۴۷** ۶. دارایی‌های درونی

مندرجات جدول ۳ نشان می‌دهد که روابط بین متغیرها به میزان زیادی منطبق با مسیرهای مورد انتظار بوده‌اند و همه‌ی روابط در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار هستند. این تحلیل‌های همبستگی تنها بینشی در ارتباط با روابط دومتغیره بین متغیرهای پژوهش را فراهم می‌آورند. برای ارزیابی مدل پیشنهادی، از رویکرد دومرحله‌ای اندرسون و گرینگ^۱ (۱۹۸۸) استفاده شد. پیش از ارزیابی مدل ساختاری، به منظور نشان دادن رابطه‌ی بین متغیرهای نشانگر با سازه‌ی مکنون مربوط، بر روی متغیرهای مکنون مدل، تحلیل عاملی تأییدی (CFA) اجرا گردید. مدل‌های اندازه‌گیری تدوین شده مورد حمایت قرار گرفتند. همچنان که در جدول ۴ نشان داده شده شاخص‌های برازش وضعیت قابل قبول را نشان دادند.

جدول ۴. مشخصه‌های برازندگی مدل‌های اندازه‌گیری

NFI	CFI	AGFI	GFI	RMSEA	χ^2/df	P	df	χ^2	شاخص‌های برازش
۰/۸۱	۰/۸۸	۰/۹۵	۰/۹۶	۰/۰۵	۲/۳۳	۰/۰۰۱	۷۲	۱۶۷/۸۷	بعد شناختی خرد
۰/۸۴	۰/۹۱	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۰۴	۲/۰۱	۰/۰۰۱	۶۱	۱۲۲/۵۷	بعد عاطفی خرد
۰/۹۱	۰/۹۴	۰/۹۵	۰/۹۷	۰/۰۵	۲/۷۲	۰/۰۰۱	۴۸	۱۳۰/۵۵	بعد تأملی خرد
۰/۸۳	۰/۸۷	۰/۹۶	۰/۹۸	۰/۰۵	۲/۸۹	۰/۰۰۱	۱۶	۴۶/۱۷	بالندگی
۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۹۹	۰/۰۵	۲/۵۳	۰/۰۰۱	۱۷	۴۲/۹۴	دارایی‌های تحولی

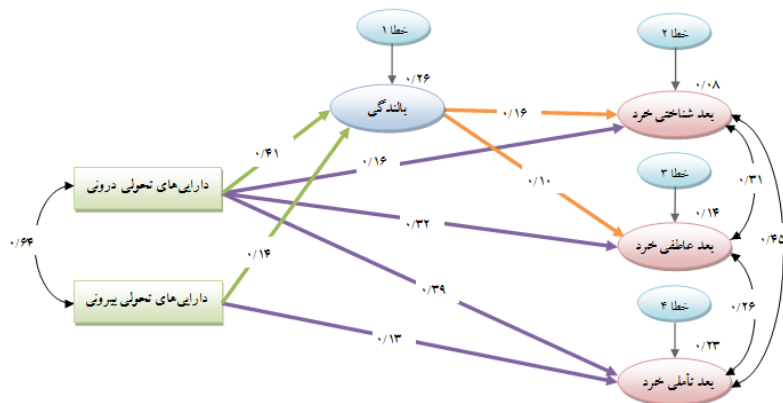
1. Anderson, J. C. & Gerbing, D. W.

پس از ارزیابی مدل‌های اندازه‌گیری متغیرهای مکنون، جهت ارزیابی مدل پیشنهادی از روش مدل‌یابی معادله ساختاری (SEM) بر اساس نرم‌افزار Amos 19 با برآورد حداکثر درست‌نمایی (ML) استفاده شد. با وجود این که مقادیر برخی شاخص‌های برازندگی حاکی از برازش نسبتاً خوب مدل پیشنهادی با داده‌ها بودند، اما بعضی از شاخص‌ها نشان می‌دادند که این مدل نیاز به بهبود دارد. بر این اساس، گام بعدی ارتقاء برازندگی مدل پیشنهادی از طریق حذف مسیرهای غیرمعنادار بود. حاصل این تغییرات مدل اصلاح شده است (نمودار ۱) که برازش آن با داده‌ها بر اساس شاخص‌های برازندگی در جدول ۵ نشان داده شده است. مقدار مجذور کای به دست آمده در مدل به لحاظ آماری معنادار نیست ($P=0/13$)، ضمن اینکه سایر شاخص‌های مدل اصلاح شده در سطح مناسبی هستند و نشان از برازندگی مناسب آن با داده‌ها دارند.

جدول ۵. شاخص‌های برازندگی برای مدل نهایی

TLI	IFI	NFI	CFI	AGFI	GFI	RMSEA	χ^2/df	P	df	χ^2
۰/۹۹	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۹۸	۱/۰۰	۰/۰۴	۱/۸۸	۰/۱۳	۳	۵/۶۴

در ادامه نمودار مسیر مدل اصلاح شده همراه با پارامترهای برآورد شده ارائه شده است.



نمودار ۱. تحلیل مسیر و پارامترهای استاندارد شده مدل نهایی

نمودار ۱ تحلیل مسیر مدل تدوین شده را نشان می‌دهد. ضرایب مسیر از دارایی‌های درونی به بالندگی و ابعاد شناختی، عاطفی و تأملی خرد؛ از دارایی‌های بیرونی به بالندگی و بعد تأملی خرد و از بالندگی به ابعاد شناختی و عاطفی خرد در سطح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ معنی‌دار بودند.

جدول ۶ اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای برون‌زا بر متغیرهای درون‌زا را نشان می‌دهد.

جدول ۶. برآورد ضرایب اثرات کل

متغیرها	اثرات مستقیم	اثرات غیرمستقیم	اثرات کل	P
اثر دارایی‌های تحولی درونی بر				
بعد شناختی خرد	۰/۱۶	۰/۰۷	۰/۲۳	۰/۰۱۲*
بعد عاطفی خرد	۰/۳۲	۰/۰۴	۰/۳۶	۰/۰۱۶*
بعد تأملی خرد	۰/۳۹	-	۰/۳۹	۰/۰۱۱*
بالندگی	۰/۴۱	-	۰/۴۱	۰/۰۰۶**
اثر دارایی‌های تحولی بیرونی بر				
بعد شناختی خرد	-	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۰۶**
بعد عاطفی خرد	-	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۰۴**
بعد تأملی خرد	۰/۱۳	-	۰/۱۳	۰/۰۰۶**
بالندگی	۰/۱۴	-	۰/۱۴	۰/۰۰۹**
اثر بالندگی بر				
بعد شناختی خرد	۰/۱۶	-	۰/۱۶	۰/۰۰۹**
بعد عاطفی خرد	۰/۱۰	-	۰/۱۰	۰/۰۱۰**
بعد تأملی خرد	-	-	-	-

** $p < 0.01$ ، * $p < 0.05$ ، $n = 668$

همچنان که در جدول ۶ مشاهده می‌کنیم اثر کل دارایی‌های درونی (۰/۲۳) به مراتب بیش از اثر کل دارایی‌های بیرونی (۰/۰۲) بر بعد شناختی خرد است. در مجموع (۸) درصد از واریانس بعد شناختی خرد توسط مدل تبیین شده است. اثر کل دارایی‌های درونی (۰/۳۶) بسیار بیشتر از اثر کل دارایی‌های بیرونی (۰/۰۲) بر بعد عاطفی خرد است. این متغیرها به همراه بالندگی در مجموع (۱۴) درصد از واریانس بعد عاطفی خرد را تبیین

کرده‌اند. اثر کل دارایی‌های تحولی درونی (۰/۳۹) بیش از اثر کل دارایی‌های بیرونی (۰/۱۳) بر بعد تأملی خرد است. ضمن این‌که بالندگی اثر معنی‌دار بر بعد تأملی خرد نشان نداده است. این متغیرها در مجموع (۲۳) درصد از واریانس بعد تأملی خرد را تبیین می‌کنند. دارایی‌های درونی اثر کل بیشتری بر روی بالندگی دارد (۰/۴۱) و تأثیر دارایی‌های بیرونی کمتر است (۰/۱۴). این متغیرها در مجموع (۲۶) درصد از واریانس بالندگی را تبیین می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها، الگوهای خاصی از روابط بین متغیرها را ارائه کردند که از مفروضه‌های اساسی پژوهش حمایت می‌کنند. در این بخش سعی شده است این یافته‌ها مورد بحث قرار گرفته و تبیین گردند.

فرض اصلی پژوهش مبنی بر این‌که دارایی‌های تحولی به میانجی‌گری بالندگی بر خرد تأثیر دارند، مورد تأیید قرار گرفته است. این یافته اولاً تأییدی بر این مفروضه است که دارایی‌های تحولی بر شکل‌گیری جوانه‌های خرد در اواخر نوجوانی و اوایل جوانی تأثیر دارند. ثانیاً، نقش واسطه‌ای بالندگی به‌عنوان پیامد و فرایند تحول مثبت در رشد خرد تأیید گردیده و نهایتاً این‌که دارایی‌های بیرونی به‌موجب تأثیر بر بالندگی به ارتقاء خرد منجر می‌گردند. این نتایج از مناسبت چهارچوب دارایی‌هایی تحولی در رشد و پرورش رفتارهای بالنده و تحول مثبت (بنسون و همکاران، ۲۰۱۱) و نقش بالندگی به‌عنوان شاخص رشد و موفقیت نوجوان در حرکت به‌سوی آینده‌ای امیدوارکننده (بنسون و اسکلز، ۲۰۰۹) حمایت می‌کنند؛ ضمن این‌که با پژوهش‌های پاسوپاتی و همکاران (۲۰۰۱) و ریچاردسون و پاسوپاتی (۲۰۰۵) مبنی بر این‌که ویژگی‌های اساسی خرد در اواخر نوجوانی و اوایل بزرگسالی ظهور می‌یابند همسو بوده و تأییدی بر دیدگاه وایلان (۱۹۹۳) است که همان‌گونه که محیط مثبت موجب حمایت از گرایش به رشد ویژگی‌های مثبت شخصیتی از جمله مدارا، ذهن باز، خلوص، متانت و اعتماد به‌نفس می‌گردد، می‌تواند اکتساب خرد را نیز تسهیل نماید.

اگرچه رابطه‌ی دارایی‌های تحولی با خرد در پژوهش‌های قبلی مورد بررسی قرار نگرفته است، با این‌وجود می‌توان متغیرهایی را یافت که تا حد زیادی با رفتارهای

خردمندانانه همپوشی دارند از جمله نوجوانانی که سطوح بالاتری از دارایی‌های تحولی را گزارش کرده‌اند به احتمال زیاد به میزان کمتری در رفتارهای آسیب‌زا شرکت کرده و پیامدهای مثبت‌تری را نشان داده‌اند (بنسون و همکاران، ۲۰۱۱). دارایی‌های تحولی رابطه بسیار نزدیکی با بالندگی داشته و اغلب پیش‌بینی‌کننده آن بوده‌اند (اسکلز، بنسون، لیفرت و بلیث^۱، ۲۰۰۰؛ اسکلز، فوستر، مانیس، هورست و رادفورد^۲، ۲۰۰۵). یافته‌های این پژوهش با یافته‌های به دست آمده در پژوهش‌های پیشین همسو است.

همچنان که لرنر و همکارانش (۲۰۰۳) بیان کرده‌اند، بالندگی دو جنبه شناختی و عملی دارد. بارزترین ویژگی‌های شناختی آن ارزش نهادن به نظام اجتماعی مروج برابری، دموکراسی، عدالت اجتماعی و آزادی فردی است و مهم‌ترین ویژگی عملی آن، تعهد به عمل در این زمینه است (لرنر و همکاران، ۲۰۰۳) که نشانگرهای آن از جمله، خوش‌بینی سالم، موفقیت تحصیلی، کمک به دیگران، ارزش قائل شدن برای تفاوت‌ها، تلاش برای حفظ سلامت شخصی، ارائه توان رهبری، تأخیر در ارضای خواسته‌ها و کنترل تکانه‌ها، مقابله و مقاومت در برابر خطر، پشتکار برای غلبه بر سختی‌ها (بنسون و اسکلز، ۲۰۰۹)، معرف این ابعاد شناختی و عملی‌اند. به نظر می‌رسد، این فرایند اندیشه و عمل، حرکتی پیش‌رونده است که بستر لازم برای تجربه‌های سازنده در طول زمان، تحول سازگاران و مثبت و درنهایت، اکتساب و بسط شناخت، عواطف و تأمل عمیق نسبت به جهان هستی را فراهم می‌کند که همگی جوانب مختلف خرد هستند.

نتایج نشان می‌دهند که دارایی‌های درونی به مراتب بیش از دارایی‌های بیرونی بر خرد و هر سه بعد آن و بالندگی تأثیر دارند. برای تبیین این یافته چند دلیل احتمالی مطرح است: اول، همان‌گونه که پیش‌تر مورد اشاره قرار گرفت، همبستگی بالای دارایی‌های درونی و بیرونی و کنترل این رابطه در مدل ساختاری، می‌تواند یکی از دلایل کاهش ضرایب مسیر دارایی‌های بیرونی به نسبت دارایی‌های درونی بر متغیرهای وابسته باشد. شایان‌ذکر است که هر دو بعد دارایی رابطه همبستگی بالایی را با خرد و ابعاد آن نشان داده‌اند و کلیه روابط نیز معنادار بوده است. دوم این‌که دارایی‌های بیرونی همچنان که بنسون و اسکلز (۲۰۰۹) تعریف کرده‌اند، مجموعه تجارب مثبتی هستند که جوان از افراد،

1. Scales, P. C., Benson, P. L., Leffert, N., & Blyth, D. A.

2. Scales, P. C., Foster, K., Mannes, M., Horst, M., & Rutherford, A.

نهادها و مؤسسه‌های مرتبط به زندگی خویش دریافت می‌کند. لذا، به نظر می‌رسد، این تجارب مثبت از جمله حمایت‌های دریافتی توسط جوان، تلاش‌های صورت گرفته برای توانمندسازی وی، فرصت‌های فراهم شده برای استفاده بهینه از زمان و محدودیت‌ها و انتظارات منطقی از او بر رشد و ارتقاء دارایی‌های درونی وی نیز تأثیر داشته و بالطبع بخشی از تأثیر خویش بر تحول مثبت جوان را به وساطت نقشی که بر ارتقاء شایستگی‌ها، ارزش‌ها، تعهدات و هویت او ایفاء می‌کنند، اعمال نمایند. همبستگی بالای دارایی‌های بیرونی و درونی گواهی بر این مدعا است. توجه به این نکته حائز اهمیت است که دارایی‌های بیرونی در طول زمان، از اوان کودکی تا اوایل جوانی به صورت تراکمی (بنسون و همکاران، ۲۰۰۶) و طی تجاربی که فرد در محیط اجتماعی خویش دریافت کرده، تجمع گردیده‌اند. به نظر می‌رسد، در این مرحله از تحول، این نقش تراکمی بیش از آن که به صورت مستقیم، اثرات خود را بر بالندگی و شکوفایی جوان و به تبع آن رشد خرد نشان دهد، از طریق ارزش‌ها و شایستگی‌های درونی شده اعمال نماید. و سرانجام، همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در تعیین تأثیرات محیطی بر زندگی افراد، درک ذهنی محیط و توانایی سازگاری با شرایط در یک روش ساختارمند، مهم‌تر از خود تأثیرات عینی محیط است (آپورت، ۱۹۶۱؛ باندورا، ۱۹۹۵). تجارب زندگی به‌خودی‌خود برای کسب خرد کافی نیستند، این امر مستلزم آن است که فرد ابتدا تجربه و درسی از زندگی را که در آن نهفته است بپذیرد پیش از آن که بتواند در خرد رشد کند (آردلت، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵) و این امر می‌تواند به تبیین نقش مؤثرتر دارایی‌های درونی به نسبت دارایی‌های بیرونی بر رشد و ارتقاء خرد، کمک نماید. یافته‌های این پژوهش، می‌تواند چشم‌اندازی جدید را برای درک چگونگی شکل‌گیری اولین جوانه‌های خرد در اواخر نوجوانی و اوایل جوانی فراهم نماید.

هر پژوهش با توجه به شرایط و موقعیتی که در آن اجرا شده، دارای محدودیت‌هایی است. این مطالعه نیز، با محدودیت‌هایی مواجه بود، از جمله این که نمونه پژوهش محدود به دانشجویان دانشگاه‌های کرمانشاه بود، بنابراین نمی‌توانیم ادعا کنیم که یافته‌های ما قابل تعمیم به سایر جوامع با زمینه‌های گوناگون است. یافته‌های حاصل از خودگزارشی طبیعتاً مقطعی است. البته روش‌های خودگزارشی در کشف ارزش‌ها و نیازهای ادراک شده و در سنجش عینی سلامت توجیه‌پذیر هستند، اما همراه بودن مشاهدات رفتاری، عملکرد

و پیامدهای انطباقی تبیین کامل‌تری از این ساختارها و شیوه‌ی عملکرد آن‌ها فراهم می‌نماید. از این‌رو، پژوهش‌های طولی و همچنین اتکا به اطلاعات چندگانه که دارایی‌های تحولی، فرایند بالندگی و رشد خرد را از چشم‌اندازی پویاتر مورد مطالعه قرار دهد می‌تواند مفید واقع شود. انجام پژوهش‌های دیگر به‌خصوص در جوامع دیگر از جمله، دانش‌آموزان دبیرستانی پیشنهاد می‌شود. نتایج حاصله در این پژوهش در مجموع توانستند بخشی از واریانس خرد را تبیین نمایند، لذا پیشنهاد می‌گردد به‌منظور تبیین واریانس باقیمانده، پژوهش‌هایی با تمرکز بر سایر عوامل فردی و اجتماعی مؤثر در این زمینه صورت گیرد. ضمناً توجه پژوهشگران بعدی به این نکته جلب می‌گردد که این اولین مطالعه‌ای است که در زمینه تعیین روابط بین دارایی‌های تحولی، بالندگی و رشد انجام می‌گیرد. همچنین، اولین مطالعه صورت گرفته در این زمینه در ایران و استفاده از نمونه دانشجویی است.

یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که تأمین دارایی‌ها و حمایت همه‌جانبه‌ی ارکان مختلف جامعه از جوانان و نوجوانان می‌تواند تأثیر بسزایی در پرورش و ارتقاء خرد و رفتارهای بالنده ایفاء نماید. برای رشد خرد جمعی توجه به عوامل تأثیرگذار بر رشد خرد فردی از اهمیت شایانی برخوردار است. آموزش خرد به‌صورت مستقیم امکان‌پذیر نیست اما می‌توان به‌صورت غیرمستقیم و از طریق تأمین دارایی‌های تحولی بستر لازم برای رشد خرد را فراهم نمود. لذا، توجه سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و کلیه‌ی نهادهای اجتماعی مرتبط با رشد و تحول کودکان، نوجوانان و جوانان از جمله خانواده، نظام آموزشی و سایر خرده نظام‌های اجتماعی به پیشنهادهای کاربردی زیر جلب می‌گردد: تقویت و پرورش احساس توانایی و کنترل بر امور زندگی، خوش‌بینی و دیدگاه مثبت نسبت به آینده، هدفمندی و عزت‌نفس، می‌تواند در پرورش انسان‌های خردمند بسیار مؤثر واقع شود. توجه بیشتر به پرورش و ارتقاء ارزش‌های مثبت به‌ویژه نوع‌دوستی، برابری و عدالت اجتماعی، صداقت، مسئولیت‌پذیری و خویشتن‌داری از اهمیت زیادی برخوردار است. ایجاد فرصت‌های غنی و سازنده برای نوجوانان و ترغیب آن‌ها به شرکت در فعالیت‌های خلاق هنری، ورزشی، شرکت در امور مذهبی، ارتقاء کیفی زمان حضور در خانه و استفاده مطلوب از زمان‌هایی که خانواده با هم صرف می‌کنند مورد تأکید است. پرورش تعهد به یادگیری و ارتقاء مؤلفه‌های آن شامل انگیزش پیشرفت، مشارکت در

یادگیری، احساس تعلق به مدرسه و دانشگاه و صرف حداقل سه ساعت در هفته برای مطالعه غیردرسی از اهمیت زیادی برخوردار است. شایستگی‌های اجتماعی از قبیل تاب‌آوری، برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، همدلی، شایستگی‌های بین‌فردی و فرهنگی و مهارت حل تعارض موجب ارتقاء بعد تأملی خرد می‌گردد. پیشنهاد می‌گردد در برنامه‌های آموزشی و تربیتی نوجوانان، توجه خاص به ارتقاء این شایستگی‌ها، از طریق آموزش مهارت‌های زندگی به عمل آید.

منابع

- Allport, G. W. (1961). *Pattern and Growth in Personality*. New York: Holt, Rinehart & Winston.
- Anderson, J.C. & Gerbing D.W. (1988): Structural Equation Modeling in Practice: A Review and Recommended Two - Step Approach. *Psychological Bulletin*, 103, 411-423.
- Ardelt, M. (2000). Intellectual versus wisdom-related knowledge: The case for a different kind of learning in the later years of life. *Educational Gerontology: An International Journal of Research and Practice*, 26, 771-789.
- Ardelt, M. (2003). Empirical assessment of a three-dimensional wisdom scale. *Research on Aging*, 25(3), 275-324.
- Ardelt, M. (2005). How wise people cope with crises and obstacles in life. *Revision: A Journal of Consciousness and Transformation*, 28(1), 7-19.
- Ardelt, M. (2009). Are older adults wiser than college students? A comparison of two age cohorts. *Journal of Adult Development*, 17(4), 193-207.
- Ardelt, M., & Oh, H. (2010). Wisdom: Definition, assessment, and its relation to successful cognitive and emotional aging. In D. Jeste & C. Depp (Eds.), *Successful cognitive and emotional aging* (pp. 87-113). Washington, DC: American Psychiatric Publishing.
- Ardelt, M., Achenbaum, W. A., & Oh, H. (2014). The paradoxical nature of personal wisdom and its relation to human development in the reflective, cognitive, and affective domains. In M. Ferrari & N. M. Weststrate (Eds.), *The Scientific Study of Personal Wisdom*. (pp. 264-295). New York: Springer.
- Baltes, P. B., & Smith, J. (2008). The fascination of wisdom: Its nature, ontogeny, and function. *Perspectives on Psychological Science*, 3(1), 56-64.
- Bandura, A. (1995). Exercise of personal and collective efficacy in changing societies. *Self-efficacy in changing societies*, 1-45.
- Benson, P. L., Scales, P. C., Hamilton, S. F., Sesma Jr, A., Hong, K. L., & Roehlkepartain, E. C. (2006). Positive youth development so far: Core hypotheses and their implications for policy and practice. *Search Institute Insights & Evidence*, 3(1), 1-13.
- Benson, P.L., & Scales, P.C. (2009). The definition and preliminary measurement of thriving in adolescence. *Journal of Positive Psychology*, 4(1), 85-104.
- Benson, P. L., Scales, P. C., & Syvertsen, K. (2011). The Contribution of the Developmental Assets Framework to Positive Youth Development Theory and Practice. *Advances in Child Development and Behavior* Copyright © 2011 Elsevier Inc. Richard M. Lerner, Jacqueline V. Lerner and Janette B. Benson: Editors

- Bluck, S., & Gluck, J. (2004). Making things better and learning a lesson: Experiencing wisdom across the lifespan. *Journal of Personality, 72*, 543–572.
- Clausen, J. (1993). *American lives: Looking back at the children of the great depression*. New York: Free Press.
- Clayton, V. P. (1982). Wisdom and intelligence: The nature and function of knowledge in the later years. *International Journal of Aging and Development, 15*(4), 315–323.
- Edmondson, R. (2005). Wisdom in later life: Ethnographic approaches. *Ageing in Society, 25*(3), 339–356.
- Erikson, E. H. (1963). *Childhood and society*. New York: Norton.
- Gluck, J., Bluck, S., Baron, J., & McAdams, D. (2005). The wisdom of experience: Autobiographical narratives across adulthood. *International Journal of Behavioral Development, 29*, 197–208.
- Karelitz, T., Jarvin, L., & Sternberg, R. (2010). *The meaning of wisdom and its development throughout life*. In W. Overton & R. Lerner (Eds.), *The handbook of life-span development* (Vol. 1). Hoboken, NJ: Wiley.
- Lerner, R. M., Dowling, E. M., & Anderson, P. M. (2003). Positive youth development: Thriving as a basis of personhood and civil society. *Applied Developmental Science, 7*(3), 172–180.
- Loehlin, J. C., (2004). *Latent Variable Models*, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Maslow, A. H. (1970). *Motivation and personality* (2nd ed.). New York: Harper & Row.
- Pasupathi, M., Staudinger, U. M., & Baltes, P. B. (2001). Seeds of wisdom: Adolescent's knowledge and judgement about difficult matters of life. *Developmental Psychology, 37*, 351–361.
- Richardson, M. J., & Pasupathi, M. (2005). Young and growing wiser: Wisdom during Adolescence and young adulthood. In R. J. Sternberg & J. Jordan (Eds.), *A handbook of wisdom: Psychological perspectives*. New York: Cambridge University Press.
- Scales, P. C., Benson, P. L., Leffert, N., & Blyth, D. A. (2000). Contribution of developmental assets to the prediction of thriving among adolescents. *Applied Developmental Science, 4*, 27–46.
- Scales, P. C., Foster, K., Mannes, M., Horst, M., & Rutherford, A. (2005). School-business partnerships, developmental assets, and positive outcomes among urban high school students: A mixed-methods study. *Urban Education, 40*, 144–189.
- Search Institute. (2002). *The asset approach: 40 elements of healthy development* [Brochure]. Minneapolis, MN: Author.
- Search Institute. (2005). *Developmental Asset Profile: User Manual* [Brochure]. Minneapolis, MN: Author.
- Seligman, M. E. P., & Csikszentmihalyi, M. (2000). Positive psychology: An introduction. *American Psychologist, 55*, 5–14 (special issue on Happiness, Excellence, and Optimal Human Functioning).
- Staudinger, U. M., Dorner, J., & Mickler, C. (2005). Wisdom and personality. In R. J. Sternberg & J. Jordan (Eds.), *A handbook of wisdom: Psychological perspectives* (pp. 191–219). New York: Cambridge University Press.
- Staudinger, U. M., & Gluck, J. (2011). Psychological wisdom research: Commonalities and differences in a growing field. *Annual Review of Psychology, 62*, 215–241.
- Sternberg, R., & Jordan, J. (Eds.). (2005). *Handbook of wisdom*. New York: Cambridge University Press.

- Trowbridge, R. H. (2011). Waiting for Sophia: 30 Years of conceptualizing wisdom in empirical psychology. *Research in Human Development, 8*(2), 149–164.
- Vaillant, G. E. (1993). *The wisdom of the ego*. Cambridge, MA, US: Harvard University Press.
- Webster, J. D. (2010). Wisdom and Positive Psychosocial Values in Young Adulthood. *J Adult Dev 17*:70–80 DOI 10.1007/s10804-009-9081-z. *Published online: 26 August 2009 Springer Science+Business Media, LLC 2009.*
- Webster, J. D. (2013). Identity, Wisdom, and Critical Life Events in Younger Adulthood. J. D. Sinnott (ed.), *Positive Psychology*, 61, DOI 10.1007/978-1-4614-7282-7_5, © Springer Science+Business Media, LLC 2013.
- Wilson, D. S., O'Brien, D. T., & Sesma, A. (2009). Human prosociality from an evolutionary perspective: Variation and correlations at a city-wide scale. *Evolution and Human Behavior, 30*, 190–200.